

ایستاد محترم



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی

موضوع:

بررسی تطبیقی اعتبار حکم قاضی در فقه و حقوق

اساتید راهنما

حجه الاسلام والمسلمین دکتر سید مهدی قریشی دکتر محمد حسن جوادی

اساتید داور:

حجه الاسلام والمسلمین صفدر محمدی حجه الاسلام والمسلمین ولی زاده

تنظیم و نگارش:

هادی منطق

مهر ۱۳۹۲

تشکر و قدردانی :

بر خود واجب می دانم تا از زحمات بی شائبه پدر و مادر عزیزم که در تمام دوران تحصیلی مشوق و پشتیبان من بوده اند تشکر و قدردانی نمایم .

همچنین از زحمات اساتید عالی قدر ، حضرت حجه الاسلام والمسلمین دکتر سید مهدی قریشی و دکتر محمدحسن جوادی که در طی مراحل این پایان نامه مرا راهنمایی فرمودند و با راهنمایی ها و نظرات ارزنده خویش یاریم رساندند ، تشکر و قدردانی می نمایم .

از اساتید بسیار ارجمند حضرت حجه الاسلام والمسلمین صفدر محمدی و حضرت حجه الاسلام والمسلمین ولی زاده که زحمت داوری این رساله را قبول فرمودند ، و با نظرات خود بنده را در جهت بهبود این رساله یاری رساندند ، سپاسگزاری می نمایم .

در آخر نیز از تمامی اساتید گروه فقه و حقوق اسامی دانشگاه ارومیه که در طول تحصیل راهنمایی های عالمانه خود را از بنده دریغ نفرمودند ، نهایت تشکر و سپاسگزاری را به عمل می آورم .

علائم اختصاری

ق.ا.....	قانون اساسی
ق.آ.د.ک.....	قانون آیین دادرسی کیفری
ق.آ.د.م.....	قانون آیین دادرسی مدنی
ق.م.....	قانون مدنی
ص.....	صفحه
صص.....	صفحات
ج.....	جلد
رک.....	رجوع کنید
بی تا.....	تاریخ ندارد
بی جا.....	مکان نشر ندارد

چکیده

حکم قاضی در میان تمام ملل و اقوام گذشته و حال از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و است و تا حد امکان هیچ کس نمی توانست و نمی تواند آن را نقض نماید ، مگر این که مخالفت آن با آداب و رسوم و یا قانون هر ملت و کشوری هویدا گردد . لذا شرع مقدس اسلام نیز از این اصل عقلانی که اعتبار حکم قاضی باشد عدول نکرده و در نهایت اقتدار و صلابت از آن حمایت نموده و قاضی را در امر قضاوت مستقل دانسته . و به هیچ کس اجازه مداخله و مقابله با حکم صادره از مرجع ذی صلاح را در هیچ مرحله ای از قضاوت نداده است .

در این نوشتار با مراجعه به منابع و کتب فقهی و حقوقی و قوانین موضوعه، و نظریات صاحب نظران ، جایگاه و اهمیت حکم قاضی را بررسی نموده و میزان اعتبار آن را بیان می نمایم . لذا در این پایان نامه با الطاف الهی و عنایات امام عصر (عج) روشن خواهد شد که با توجه به آیات و احادیث و احکام و قوانین ، حکم صادر شده از قاضی شرعی و قانونی تا چه میزان می تواند معتبر باشد و موارد نقض آن یا تجدید نظر در مورد آن کدام می باشد .

کلمات کلیدی : فقه ، قاضی ، حقوق ، حکم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....

فصل اول : کلیات

۴	۱-۱ : بیان مسئله.....
۴	۲-۱ : ضرورت و اهداف تحقیق.....
۵	۳-۱ : فرضیه های تحقیق.....
۵	۴-۱ : پیشینه تحقیق.....
۶	۵-۱ : روش شناسی تحقیق.....
۶	۶-۱ : محدودیت های تحقیق.....

فصل دوم : مفاهیم

۸	۱-۲ : معنا و مفهوم قضاء و حکم.....
۸	۲-۱-۱ : معنای لغوی قضاء.....
۸	۲-۱-۲ : مفهوم اصطلاحی قضاء.....
۱۰	۲-۲ : اهمیت قضاء.....
۱۲	۳-۲ : قاضی و قضاوت در اسلام.....
۱۲	۲-۳-۱ : آئین دادرسی در اسلام.....
۱۳	۲-۳-۲ : قضاء در سیره رسول الله (ص).....
۱۵	۴-۲ : شرایط قاضی.....
۱۵	۲-۴-۱ : شرط اجتهاد در قاضی.....

- ۲-۴-۱-۱ : معنای اجتهاد ۱۵
- ۲-۴-۱-۲ : انواع مجتهد ۱۷
- ۲-۴-۱-۳ : قضاوت مجتهد ۱۸
- ۲-۴-۱-۴ : ادله قائلان به اعتبار اجتهاد ۱۸
- ۲-۴-۱-۵ : قضاوت مقلد ۲۵
- ۲-۴-۱-۶ : ادله جواز قضاوت مقلد و نقد و بررسی آن ۲۵
- ۲-۴-۱-۷ : اصل اولی و ثانوی در قاضی ۲۹
- ۲-۴-۱-۸ : نتیجه گیری ۳۰
- ۲-۵ : استقلال قضایی ۳۱
- ۲-۶ : ادله اثبات دعوی ۳۵
- ۲-۶-۱ : ادله اثبات دعوی در فقه ۳۵
- ۲-۶-۱-۱ : ادله مشترک ۳۵
- ۲-۶-۱-۲ : ادله خاص دعاوی کیفری ۳۶
- ۲-۶-۲ : ادله اثبات دعوی در حقوق ۳۷

فصل سوم : اعتبار امر قضاوت شده

- ۳-۱ : مقدمه ۴۰
- ۳-۲ : قاعده امر قضاوت شده ۴۰
- ۳-۲-۱ : معنای قاعده ۴۰
- ۳-۲-۲ : ماهیت قاعده ۴۳
- ۳-۲-۳ : اجزاء حکم ۴۴

- ۴۵..... ۴-۲-۳ : مبنای قاعده در حقوق
- ۴۶..... ۵-۲-۳ : مبنای قاعده در اسلام
- ۴۷..... ۶-۲-۳ : مستند قاعده ی « اعتبار حکم قاضی »
- ۴۸..... ۷-۲-۳ : اعتبار قاعده
- ۴۹..... ۳-۳ : طرح قاعده ی « امر قضاوت شده » در فقه و حقوق
- ۴۹..... ۱-۳-۳ : طرح قاعده در فقه
- ۵۲..... ۱-۱-۳-۳ : تتبع در حکم
- ۵۳..... ۲-۱-۳-۳ : علت عدم تتبع در حکم قاضی
- ۵۴..... ۲-۳-۳ : طرح قاعده در حقوق
- ۵۶..... ۴-۳ : اثر قاعده
- ۵۸..... ۱-۴-۳ : رابطه قاعده با نظم عمومی

فصل چهارم : تجدید نظر خواهی در فقه

- ۶۰..... ۱-۴ : مقدمه
- ۶۲..... ۲-۴ : تقریر محل نزاع
- ۶۳..... ۱-۲-۴ : مفهوم تجدید نظر و جایگاه آن در شرع
- ۶۴..... ۳-۴ : موارد جواز و عدم جواز نقض حکم در فقه
- ۶۴..... ۱-۳-۴ : مخالفت حکم با دلیل شرعی
- ۶۴..... ۱-۱-۳-۴ : مخالفت حکم با دلیل قطعی
- ۶۵..... ۲-۱-۳-۴ : مخالفت حکم با علم وجدانی
- ۶۵..... ۳-۱-۳-۴ : مخالفت حکم با دلیل ظنی معتبر

- ۴-۴ : دلایل عدم جواز نقض حکم و نقد آنها ۶۶
- ۴-۴-۱ : اجماع ۶۶
- ۴-۴-۲ : اصل ۶۷
- ۴-۴-۳ : اطلاق ادله جواز حکم ۶۸
- ۴-۴-۳-۱ : چگونگی استدلال به این روایات ۶۹
- ۴-۴-۴ : لزوم هرج و مرج ۷۰
- ۴-۴-۵ : یک خصومت دو فصل را بر نمی تابد ۷۱
- ۴-۴-۶ : حکم مجتهد با عدم تقصیر در اجتهاد ، حکم الهی است ۷۲
- ۴-۴-۷ : عدم جواز نقض رأی قاضی در صورت مخالفت با فتوی ۷۲
- ۴-۵ : موارد جواز نقض حکم و بررسی آنها ۷۴
- ۴-۵-۱ : حکم دادرسی که اهلیت قضاء را ندارد ۷۴
- ۴-۵-۲ : حکم خلاف شرع ۷۵
- ۴-۵-۳ : حکم خلاف واقع ۷۷
- ۴-۶ : آیا توسعه دادن در محدوده ی تجدید نظر با فلسفه قضاء منافات دارد؟ ۷۸
- ۴-۷ : نتیجه ۷۹

فصل پنجم : تجدید نظر خواهی در حقوق

- ۵-۱ : مقدمه ۸۴
- ۵-۲ : تاریخ تجدید نظر خواهی در قوانین ۸۴
- ۵-۳ : دیدگاه مخالفین تجدید نظر ۸۶
- ۵-۳-۱ : بوروکراسی ۸۶

- ۸۷-۳-۲: دوباره کاری ۸۷
- ۸۷-۳-۳: رسیدگی دور از واقعیت ۸۷
- ۸۸-۳-۴: کم توجهی و بی دقتی ۸۸
- ۸۸-۳-۵: اطلاع دادرسی ۸۸
- ۸۹-۴: دیدگاه موافقین تجدید نظر ۸۹
- ۸۹-۴-۱: رعایت احتیاط ۸۹
- ۸۹-۴-۲: تضمین بی طرفی در قضاوت ۸۹
- ۹۰-۴-۳: دقت در رسیدگی قضایی ۹۰
- ۹۰-۴-۴: افزایش اعتماد و اطمینان مردم ۹۰
- ۹۱-۴-۵: وحدت و هماهنگی ۹۱
- ۹۱-۴-۶: انتقال تجربیات ۹۱
- ۹۱-۴-۷: نتیجه ۹۱
- ۹۲-۵: شرایط تجدید نظر خواهی ۹۲
- ۹۲-۵-۱: اشخاصی که قانوناً حق تجدید نظر خواهی دارند ۹۲
- ۹۳-۵-۲: جهات تجدید نظر خواهی ۹۳
- ۹۳-۵-۱-۲: آراء قابل تجدید نظر در امور مدنی ۹۳
- ۹۴-۵-۲-۲: آراء قابل تجدید نظر در امور کیفری ۹۴
- ۹۴-۵-۳: مهلت تجدید نظر ۹۴
- ۹۵-۵-۴: اقسام تجدید نظر ۹۵
- ۹۶-۵-۴-۱: واخواهی ۹۶

- ۹۶-۵-۴-۲ : استیناف ۹۶
- ۹۶-۵-۴-۳ : فرجام ۹۶
- ۹۷-۵-۴-۴ : اعاده دادرسی ۹۷
- ۹۷-۵-۴-۵ : تصمیمات دیوان عالی کشور (تجدید نظر تشخیصی) ۹۷
- ۹۸-۵-۴-۶ : نحوه اعمال اعتراض توسط رئیس قوه قضائیه ۹۸
- ۹۹-۵-۵-۵ : تصمیمات دادگاه تجدید نظر ۹۹
- ۱۰۰-۵-۶ : آثار تجدید نظر ۱۰۰
- ۱۰۰-۵-۶ : حکم پس از تجدید نظر ۱۰۰
- ۱۰۰-۵-۶-۱ : آیا حکم مرحله تجدید نظر قطعی است؟ ۱۰۰
- ۱۰۲-۵-۶-۲ : منع تکرار تجدید نظر ۱۰۲

نتیجه گیری و پیشنهاد

- ۱۰۶- نتیجه گیری ۱۰۶
- ۱۰۸- پیشنهادات ۱۰۸

منابع و مأخذ

- ۱۱۰- کتاب ها ۱۱۰
- ۱۱۸- قوانین و آراء ۱۱۸
- ۱۱۸- مجلات و روزنامه ها ۱۱۸
- ۱۱۹- نرم افزارها ۱۱۹
- ۱۱۹- سایت ها ۱۱۹

مقدمه

« سپاس خداوندی را که سخن وران از ستودن او عاجزند ، و حساب گران از شمارش نعمت های او ناتوان ، و تلاش گران از ادای حق او در مانده . خدایی که افکار ژرف اندیش ، ذات او را درک نمی کنند و دست غواصان دریای علوم به او نخواهد رسید . پروردگاری که برای صفات او حد و مرزی وجود ندارد ، و تعریف کاملی نمی توان یافت و برای او وقتی معین و سرآمدی مشخص نمی توان تعیین کرد . خلاق را به قدرت و توانایی خود بیافرید ، و باد ها را به سبب رحمت و مهربانیش پراکنده کرد ، و به وسیله کوه ها اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد . » (نهج البلاغه / خطبه ۱)

اهمیت قاضی و قضاوت و حکمی که طی این فرآیند صادر می شود بر کسی پوشیده نیست و هر کسی می داند که تأثیر حکم دستگاه قضایی در هر کشوری تا چه اندازه مؤثر و تأثیر گذار است ؛ به همین علت می باشد که یکی از ارکان هر کشوری ، دستگاه قضای آن کشور می باشد ، چرا که مسقیماً با جان و مال و عرض و آبروی شهروندان سر و کار دارد ، و مهمترین نقش را در احقاق حق و رساندن آن به صاحبانش ، ایفا نموده و از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است ، لذا باید نهایت تدقیق و نکته سنجی در صدور هر حکمی به عمل آید تا مبادا کوچکترین حقی از هیچ صاحب حقی زایل نگردد که گناهی نابخشودنی است .

از این جهت می باشد که دین مبین اسلام و شارع مقدس اهمیت ویژه ای برای قاضی و دستگاه قضائی قائل شده و آنرا تنها و تنها مختص پیامبران الهی علیهم السلام و جانشینان بر حق آنان دانسته و هیچ کس را تا زمانی که صلاحیت قضاوت را اخذ نکرده لایق و شایسته برای این منصب ندانسته ؛ و باز از اهمیت این منصب می باشد که چون کسی صلاحیت قضاوت یافت استقلال تام در مقام خود داشته هیچ کس و هیچ قدرتی حق مداخله در کار او را ندارد و قاضی با خیالی آسوده و خاطری آرام مشغول به قضاوت و دادرسی میان مردم می گردد و از حقوق همه مردم دفاع می نماید و اگر حقی زائل گردد با تمام توان و حتی با تمام قوای مملکتی قیام به بازگرداندن آن می نماید ، و کسی نمی تواند خلاف حکم صادره تصمیمی اتخاذ نماید .

در کشور ما نیز تا زمانی که حکم قاضی خلاف بین شرع و به تبع آن قوانین جمهوری اسلامی ایران که عموماً متخذ از شرع می باشد ، نباشد هیچ کس نمی تواند آن حکم را نقض نماید یا تصمیمی بر خلاف آن بگیرد ؛ و باید نیز چنین باشد تا کسی که در مورد او حکمی صادر شده چه بر ضرر او باشد یا منفعتش ، با اطمینان خاطر آن حکم را قبول نموده و به مفاد آن تن در دهد.

چرا که کسانی که طبق این موازین حکم نموده اند حکم به ما أنزلَ اللهُ کرده اند ، و از این رو طبق بیان شرع مقدس اسلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام تنها مجتهدان جامع الشرائط می توانند میان مردم

قضاوت نمایند ، چون فقط این افراد هستند که طبق آیات و روایات وارده صلاحیت و شایستگی لازم برای تصدی مقام بزرگ قضاوت را دارا هستند و هنگامی که مجتهد جامع شرائط لازم، میان طرفین دعوی حکمی صادر نماید هیچ کس نمی تواند آن را نقض یا در مورد آن نظری جدید ایراد نماید ، مگر این که مخالفت آشکار آن با شرع یا عقل یا واقع نمایان باشد ، در این صورت نیز فقط کسانی که دارای صلاحیت قضا هستند می توانند مخالفت حکم با موازین شرعی و عقلی و یا قانونی را تشخیص داده و نظری جدید ارائه دهند.

ولی در این زمان که ، با توجه به وسعت و گسترش دستگاه قضائی در تمام دنیا و مخصوصاً در کشورمان ایران ، نیاز به قاضی فراوان و کسانی هم که دارای تمام شرایط اجتهاد و فقاہت می باشند کم است ، لذا طبق قانون می توان افرادی که فقط در قسمتی از احکام که مربوط به قضاوت می گردد کارشناس بوده و دارای مهارت و تبخّر کافی هستند را نیز به عنوان قاضی پذیرفت ، و تا زمانی که حکم آن ها مخالف با احکام دین و قوانین موضوعه نیست ، حکم آن ها را معتبر دانست .

در این رساله با روشی تحقیقی و تحلیلی به اعتبار و اهمیت حکمی که از مصادر ذی صلاح قضائی صادر شده می پردازیم ، همچنین بیان خواهیم کرد که چگونه و چه زمانی می توان حکمی را که دارای شرایط صلاحیت می باشد را نقض نمود و یا این که در مورد آن تجدید نظر کرد، و برای نیل به این مقصود از آیات و احادیث و اقوال فقهی فقها و نظریات حقوقی حقوقدانان تا حد امکان و توان استفاده نموده ایم .

فصل اول

کلیات

۱-۱: بیان مسأله

با توجه به اهمیت قضاوت در اسلام و تمام سیستم های قضایی نتیجه آن یعنی حکم صادر شده از مصادر ذی صلاح، در صدد بیان اعتبار حکم صادره از دادگاه توسط قاضی می باشیم.

توضیح: تمام سعی و کوشش محققان اعم از مربیان و مترجمان، فقیهان و حقوقدانان؛ و کاربران اعم از قضات و وکلا و شاکیان و متهمین در قبال حکم صادره از آنان، له یا علیه آنان بر این است که حکم مذکور مصون از اشتباه و نقص باشد، لذا مهم و ضروری می نماید تا هر یک از آنان به نوبه خود اعتبار و اهمیت حکم صادر شده را بدانند و در مورد نهایی ترین مرحله قضاء که همان صدور حکم توسط قاضی باشد دچار حیرت و سر در گمی نگردند، ما در این تحقیق بر آنیم که با الطاف و عنایات الهی تا آنجا که در توان داریم اهمیت و اعتبار حکم قاضی را به صورت تطبیقی بررسی نماییم.

به بیان دیگر می توان گفت رأی و حکمی که از دادگاه صادر می شود دارای چه میزان از اعتبار است؟ آیا می توان نسبت به آن اعتراض نمود یا نه، هر حکمی که صادر شود بدون چون و چرا، نافذ است و باید اجرا گردد.

و در صورت جواز اعتراض، شرایط تجدید نظر خواهی کدامند؟ آیا حکم صادره قابل نقض است؟ چه کسانی می توانند رأیی را که توسط قاضی صلاحیت دار، صادر شده نقض نمایند؟

۱-۲: ضرورت و اهداف تحقیق

با توجه به اهمیت و حساسیت قضاوت و رسیدگی به دعاوی چه در مورد اشخاص حقوقی و چه در مورد اشخاص حقیقی، حکمی که از مراجع و مصادر ذی صلاح صادر می گردد، می تواند سرنوشت و کیفیت زندگی افراد بلکه در مقیاس بزرگ طرز زندگی یک جامعه را تحت الشعاع قرار داده و مسیر آنرا تغییر دهد، لذا باید اهمیت و اعتبار حکمی که از جانب دادگاه ها و مراجع قضایی، توسط قاضی صادر می گردد بررسی و تدقیق گردد، تا افرادی که حکم در مورد آنها صادر می گردد مشرف به اعتبار و اهمیت آن بوده و با اطمینان خاطر از آن تبعیت نمایند. همچنین اطلاع و آگاهی از چگونگی برخورد با احکام نادرست و کیفیت اعتراض و رد آن را داشته باشند. همچنین از جایگاه ولایت در مشروعیت قاضی منصوب و تنفیذ حکم وی، و همچنین اجازه ولی امر در اجرای احکام صادره توسط قضات و دادگاه ها مطلع باشند.

لذا در این رساله بر آنیم که به یاری خداوند متعال جوانب مختلف حکم صادره توسط قاضی را از منظر شرع و شارع مقدس و قوانین جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از آرای مشهور فقهای شیعه می باشد مورد فحص و بررسی قرار دهیم.

به دلیل ویژگی منحصر به فرد پایان نامه ، این پژوهش می تواند مورد استفاده قضات ،وکلا ، محققین ،دانشجویان و طلاب محترم قرار گیرد و تا حدودی ابهامات موجود در زمینه میزان اعتبار حکم قاضی را بر طرف سازد. همچنین جایگاه دادگاه و قاضی را در جامعه کنونی وارزش قضاوت در اسلام را مشخص نماید.

اهداف کلی این تحقیق عبارتند از:

۱- تبیین جایگاه قاضی در فقه و حقوق

۲- اعتبار حکم قاضی و امر قضاوت شده

۳- اعتراض و تجدید نظر خواهی از رأی صادره از دادگاه صالح

۱-۳: فرضیه های تحقیق

به نظر می رسد:

۱- حکم صادره از قاضی و دادگاه ذی صلاح قابل تجدید نظر و نقض می باشد.

۲- قاضی باید مجتهد جامع شرائط افتاء باشد.

۳- حکم بعد از تجدید نظر دوباره قابل تجدید نظر و نقض نمی باشد.

۱-۴: پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه تقریباً هیچ پایان نامه در ارتباط با این موضوع به رشته تحریر در نیامده است لذا این پایان نامه ، پژوهشی جدید محسوب می شود . مضاف بر اینکه ما در این پژوهش قصد داریم از نظرات فقهی مراجع عظام تقلید در عصر حاضر نیز استفاده کرده و نظر مشهور آنها را در خلال بحث ، مورد بررسی قرار دهیم . البته اکثر فقهای گذشته و نویسندگان حقوقی در لابلای تقریرات و تألیفات خویش به این موضوع بس مهم اشاراتی نموده اند، و اگر کتابی مانند «اعتبار امر قضاوت شده» اثر دکتر ناصر کاتوزیان در این باره نگارش یافته ، بیشتر طرح موضوع در گستره ی حقوقی آن می باشد و کمتر کتاب یا رساله ای موجود است که مسأله را به طور تطبیقی در فقه و حقوق بررسی نماید.

۱-۵: روش شناسی تحقیق

در علوم نظری روش کتاب خانه ای مرسوم است و بیشتر از این روش برای گردآوری اطلاعات استفاده می شود، و همچنین از نظر علماء، صاحب نظران و در این رشته فقهاء و حقوقدانان استفاده می شود و با بررسی

سایت ها و مقالات، مطالب جدید در مورد موضوع مورد نظر به دست می آید که حقیر با عنایات الهی و توجهات حضرت ولیعصر(عج) این کارها را انجام داده و علاوه بر این هر قسمت از پایان نامه را جداگانه با بررسی منابع و مباحث مربوط به آن جمع آوری نموده و به نگارش خواهم پرداخت؛ مراحل انجام تحقیق به قرار زیر می باشد:

- ۱- کتاب شناسی و منبع شناسی تحقیق
- ۲- جمع آوری اطلاعات و فیش برداری از مطالب مرتبط با بحث
- ۳- تجزیه و تحلیل مطالب
- ۴- ترکیب، دسته بندی و تدوین مطالب
- ۵- جمع بندی مطالب و نتیجه گیری

۱-۶: محدودیت های تحقیق

به طور قطع هر کار و امری دچار محدودیت هایی است، درنگارش این رساله نیز برخی از این محدودیت ها وجود داشته که به برخی از آنها اشاره می شود:

- ۱- عدم دسترسی به کتب مرجع در کتابخانه
- ۲- نبود سیستم ها و کامپیوترهای کافی به نسبت دانشجویان ارشد
- ۳- قطع شدن مداوم اینترنت

فصل دوم

مفاهیم

۲-۱: معنا و مفهوم قضاء و حکم

۲-۱-۱: معنای لغوی قضاء

قضا در لغت عرب، از فعل قضی یقضی است و در کتب لغت و فقه بیش از ده معنی برای این واژه بیان شده است، صاحبان کتب لغت قضا را به معنای حکم کردن دانسته اند هر چند معانی دیگری نیز برای آن شمرده اند مانند: اتقان و انفاذ و انهاء و عهد و وصیت و ... (العین، ۱۴۱۰: ج ۵) (الصاح، ۱۴۱۰: ۶/ ۲۴۶۳) (النهاية، بی تا: ۷۸) (مقائیس اللغه، ۱۴۰۴: ۵/ ۹۹) (تاج العروس، ۱۴۱۴: ۱۰/ ۲۹۶)

ابن منظور در این باره می نویسد: «قضا در لغت به معناهای گوناگونی آمده است؛ مانند: ایتان، اتمام، ایجاب، اعلام، انفاذ، امضا، احکام، قطع، فصل و... که می توان همه آنها را به معناهای انقطاع و اتمام برگرداند.» (ابن منظور، بی تا: ۱۸۶/۵-۱۸۸ به نقل از بواسحق و ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۷۸/۴ به نقل از زهری)

شهید ثانی در کتاب مسالک الافهام بعد از بیان برخی از مفاهیم لغوی قضا، فراغ را معنای حقیقی و دیگری معنای را مجازی دانسته است. (شهید ثانی، بی تا: ۱۲/ ۳۲۵) و لیکن نظر تحقیق آن است معنای اصلی و حقیقی آن حکم بوده و سایر معانی یا از لوازم حکم است و یا معنی مجازی آن.

در قرآن نیز قضا به معانی مختلفی آمده است، از جمله: قضاء به معنای حکم (شوری / ۱۴)، اداء و اِنها (حجر / ۶۶)، اتمام و اکمال (قصص / ۲۷ و ۲۸)، خلق و تقدیر (فصلت / ۱۲)، اراده (بقره / ۱۱۷)، امر (اسراء / ۲۳)، اظهار (یوسف / ۶۸)، حکم (نساء / ۶۵)، فعل (طه / ۷۲)، حتم (سباء / ۱۴)، فراغ (یوسف / ۴۱).

لفظ لاتینی *oitcidsiruj*، که از آن تعبیر به قضا می شود، نسبت به واژه عربی هم از عمومیت بیشتری برخوردار بوده و هم بلیغ تر است، زیرا متضمن معنای احقاق العدالة است. در واقع این واژه، مرکب از دو عنصر *siruj* یعنی حق و *oitcid*، مصدر فعل *erecid*، به معنای گفتن و بیان کردن است. بر این اساس معنای *oitcidsiruj* اظهار حق یا بیان حقیقت است. بنابراین اگر بخواهیم معادل عربی این واژه را بکار ببریم ناچاریم لفظ قضا را همراه واژه دیگری بکار گیریم مثل، القضاء بالحق یا القضاء بالعدل.

۲-۱-۲: مفهوم اصطلاحی قضاء

فقها در تعریف قضا تعابیر مختلف و گوناگون ارا نه داده اند:

۱- حنبلی ها گفته اند: قضاوت حکم شرعی الزامی جهت حل و فصل خصومات می باشد (بهوقی حنبلی، ۱۴۱۸: ۶/ ۲۸۵).

۲- ابن رشد مالکی گفته است: قضا عبارت است از اخبار به حکم شرعی الزام آور. (ابن فرحون، ۱۴۲۲: ۲

(۸/

۳- فقهای شافعی بر این نظرند: قضا عبارت است از فصل خصومت بین دو نفر یا بیشتر براساس حکم خداوند. (الخطیب الشربینی، ۱۴۱۸: ۴/ ۳۷۱)

۴- حنفی ها می گویند: قضا عبارت است از فصل خصومت ها و قطع منازعات به صورت خاص. (ابن عابدین، ۱۴۱۴: ۳۵۲)

۵- فقهای امامیه گفته اند: قضا یک نوع ولایت شرعی است برای کسانی که اهلیت فتوا نسبت به جزئیات قوانین بر اشخاص را دارند، تا حقی را ثابت نموده و مستحق آن را استیفا نماید. (شهید ثانی، بی تا: ۲/ ۳۸۲) و (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲/ ۳۲۰) و (حائری، بی تا: ۲/ ۳۸۵)

قضا در مفهوم اصطلاحی به تعابیر مختلفی بیان گردیده، که برگشت تمامی این تعاریف به معنای لغوی آن است زیرا فقیهانی که درصدد تعریف آن برآمده اند این واژه را در مشهورترین معنای آن یعنی حکم تفسیر کرده اند. شهید ثانی در تعریف آن می - نویسد: «ولایة شرعیة علی الحکم فی المصلح العامه من قبل الامام علیه السلام.» (جبعی عاملی، ۱۳۶۵: ۲/ ۱۴۸؛ آشتیانی، ۱۴۰۴: ۲؛ خوانساری، ۱۳۵۵: ۲)

قضاوت داشتن ولایت شرعی بر حکم در مصالح عمومی از جانب امام علیه السلام است.

محقق طباطبایی می گوید: «هو الحکم بین الناس عند التنازع و التشاجر و رفع الخصومه و فصل الامر بینهم.» (طباطبایی یزدی، ۱۳۳۹: ۳۲۵)

قضاوت حکم کردن بین مردم هنگام تنازع و دعوا و رفع نمودن خصومت و دشمنی و فصل امر بین آنها است. و همچنین قضاء در اصطلاح فقهاء به این معانی نیز اطلاق می شود:

۱- حکم کردن و رفع خصومت بین طرفین در گیر بنا بر اعتقاد گروهی از ایشان. (نجفی، ۱۴۰۴: ۹/۴۰؛ جبعی عاملی، ۱۳۶۵: ۱/ ۲۷۶)

۲- ولایت حکم شرعا بنا بر اعتقاد گروهی دیگر. (شهید اول، ۱۴۱۷: ۲/ ۶۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲/ ۱۴۰)

البته باید گفت متقدمان از اصحاب، مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی، شیخ طوسی معروف به شیخ الطائفه، سلار، ابن زهره، ابن حمزه و... برای قضا تعریفی ذکر نکرده اند و ظاهراً نخستین تعریف از این واژه را محقق حلی در کتاب المختصر النافع ارائه داده است؛ وی مفهوم قضا را اینچنین تعریف کرده است:

«ولایت (تصدی) حکم است شرعاً برای کسی که شایسته فتوا دادن به جزئیات قوانین شرعی است، بر اشخاصی معین برای اثبات حقوق و استیفای آنها به نفع مستحق آنها» (۱)

۱- این تعریف را ابن فهد حلی در المذهب الجارح، ۴۵۱/۴، از محقق حلی در المختصر حکایت کرده است؛ اما نگارنده آن را در کتاب قضای المختصر نیافت. (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۴۵۱/۴)